

## از نگاه آفتاب: سیمای حسین در احادیث پیامبر علیهما السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۷ .

عنوان و نام پدید آور : از نگاه آفتاب: سیمای حسین در احادیث پیامبر علیهما السلام /  
لطف الله صافی گلپایگانی .

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ، ۱۳۹۰ .

مشخصات ظاهری : ۵۵ ص

شابک : ۹۷۸ ۹۶۴ ۹۷۳ ۳۱۶ ۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : حسین بن علی علیه السلام ، امام سوم، ۴۶۱ ق.

موضوع : محمد صلی الله علیه و آله ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت ۱۱ ق. احادیث

موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ ق.

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ الف ۴/ص ۲/۴۱/۴ BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۳۰۴۲۵

ص: ۱

### اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ۲

ص: ۳

از نگاه آفتاب

سیمای حسین علیه السلام در احادیث پیامبر

حضرت آیت الله العظمی

آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ص: ۴

از نگاه آفتاب

نام کتاب: از نگاه آفتاب

مؤلف: آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

صفحه آرا: امیرسعید سعیدی

ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران

چاپخانه و شمارگان: پرستش / ۲۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۰

قیمت: ۶۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸ ۹۶۴ ۹۷۳ ۳۱۶ ۶

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

تلفن و نمابر: ۰۲۵۱ ۷۲۵۳۳۴۰ ، ۷۲۵۳۷۰۰

قم صندوق پستی: ۶۱۷

ص: ۵

فهرست مطالب

فصل اوّل: سرور جوانان ۷۰۰۰

فصل دوم: او از من است ۹۰۰۰

خدا او را دوست دارد ۱۱۰۰۰

او را می بوسید ۱۲۰۰۰

او را دوست دارم ۱۲۰۰۰

گریه مکن ۱۳۰۰۰

فصل سوم: ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۵۰۰۰

ظهور مهربانی ۱۶۰۰۰

روی سینه پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۸۰۰۰

بوسه شیرین پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۹۰۰۰

بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۹۰۰۰

فصل چهارم: شرط دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۱۰۰۰

فصل پنجم: معیار بهشت و دوزخ ۲۳۰۰۰

فصل ششم: در جوار آفتاب ۲۷۰۰۰

فصل هفتم: کیست او را یاری کند؟ ۲۹۰۰۰

او را واگذارند ۳۰۰۰۰

فصل هشتم: صاحبان بهشت ۳۳۰۰۰

ص: ۶

فصل نهم: از نسل حسین علیه السلام ۳۵۰۰۰

نهمین فرزند ۳۶۰۰۰

فصل دهم: میوه درخت نبوت ۳۹۰۰۰

فصل یازدهم: ودیعه پیغمبر صلی الله علیه و آله ۴۱۰۰۰

فصل دوازدهم: خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا ۴۳۰۰۰

حسین یعنی چه؟ ۴۴۰۰۰

فصل سیزدهم: وارث آفتاب ۴۷۰۰۰

میزان اعتدال ۴۸۰۰۰

ارثیه پیامبر ۴۹۰۰۰

فصل چهاردهم: اشک پیامبر بر حسین علیه السلام ۵۱۰۰۰

خاک سرخ ۵۲۰۰۰

صبور باش! ۵۳۰۰۰

اینجا کربلاست ۵۴۰۰۰

تربت خونین ۵۴۰۰۰

ص: ۷

## فصل اول: سرور جوانان

ص: ۸

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: فرشته ای آسمانی که مرا دیدار نکرده بود از خدا برای زیارتم اذن خواست، پس به من مژده داده که:

... وَأَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَبُوهما خَيْرٌ مِنْهُمَا؛ (۱) ... و حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشت می باشند و پدرشان از آنها بهتر است.

ص: ۹

## فصل دوم: او از من است

## اشاره

ص: ۱۰

رسول خدا صلی الله علیه و آله حسنین علیهما السلام را بسیار دوست می داشت و نسبت به آنها فوق العاده اظهار علاقه و عطوفت می کرد. روایات و تواریخ بر این اتفاق دارند که آن حضرت نسبت به علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام از تمام مردم، کسان و نزدیکان خود اظهار مودت بیشتری می نمود. دوستی آنها یک دوستی ساده پدر نسبت به فرزند نبود؛ بلکه ریشه در علایق، مبانی عمیق و یگانگی روحی داشت، و نشانه یک اتحاد و اتصال ناگسستنی معنوی و توافق کامل فکری بود؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود:

أَنَا سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ؛ (۱)

من با هر کس که با شما در صلح و سازش باشد، در صلح و سازشم. و با هر که با شما در جنگ و نبرد باشد، در جنگ و نبردم هستم.

یک اتصال واقعی روحی، و هم فکری تمام عیار و یگانگی خالص لازم است تا پیغمبر صلی الله علیه و آله آن را این گونه شرح دهد. جمله «أَنَا سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ» به این نکته صراحت دارد که طرز تفکر، سلوک و روش آنها با تفکر و سلوک و روش پیغمبر صلی الله علیه و آله یکی است، و هیچ گونه تفاوتی ندارد. و به مثابه کردار، رفتار، جنگ و صلح رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

هنگامی که این اخبار را مطالعه می کنیم و از شدت علاقه و دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام آگاه می شویم، باید توجه داشته باشیم که گوینده این کلمات و الفاظ، رسول خدا صلی الله علیه و آله است. او کسی است که در دوران حیات

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، باب فضل اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله، ص ۶۵؛ سنن ترمذی، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

ص: ۱۱

خویش با تملق و گزافه گویی و سخنان دور از حقیقت مبارزه داشت، و همیشه سخنان و کارهایش برای بشر حجت، قانون و شریعت بود، و آنچه فرموده، بیان و ترجمان حقیقت است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله غیر از فاطمه علیها السلام دختران دیگر، و غیر از علی علیه السلام نیز عموزاده ها و خویشاوندان بسیاری داشت، پس چرا این همه اظهار علاقه و محبت، مخصوص فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام و فرزندان آنها بود؟ و چرا پیغمبر صلی الله علیه و آله از میان همه کسان و اصحاب خود، آنها را برگزید؟ زیرا این چهار تن، نماینده صفات، روحیات، اخلاق و کمالات او بودند.

### خدا او را دوست دارد

از جمله احادیثی که از دوستی و علاقه پیغمبر حکایت می نماید، حدیث یعلی بن مرّه (۱) است. یعلی بن مرّه روایت می کند: روزی اصحاب در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله به مجلس میهمانی رهسپار شدند، ناگاه به حسین علیه السلام برخورد نمودند

که در کوچه بازی می کرد. پیغمبر صلی الله علیه و آله جلوی همراهان رفت و دست های خود را گشود، کودک از این سوی به آن سوی می گریخت و پیغمبر صلی الله علیه و آله او را می خندانید تا وی را گرفت؛ پس یک دست بر زیر چانه حسین علیه السلام و دست دیگر را پشت سر او گذارد و او را بوسید و فرمود:

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۵؛ مصابیح السنه، ج ۲، ص ۲۸۱؛ ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۹۵ و ۱۹۶؛ اسدالغایه، ج ۵، ص ۱۳۰ و ۵۷۴ و ج ۲، ص ۱۹؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۳۳ و ج ۳ ص ۳۹۵؛ مطالب السؤل، ص ۷۱.

ص: ۱۲

حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ أَحَبُّ اللَّهِ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا أَحْسَنَ وَالْحُسَيْنُ سِبْطَانِ مِنَ الْأَسْبَاطِ؛ (۱)

حسین از من است و من از حسینم. خدا دوست دارد کسی را که حسین را دوست داشته باشد. حسین، سبطی از اسباط است.

و نیز همین حدیث شریف را بخاری، ترمذی، ابن ماجه و حاکم به این لفظ روایت می نمایند.

شرباصی بعد از آنکه از قاموس نقل می کند که:

حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ وَأُمَّةٌ مِنَ الْأُمَّمِ

می نویسد: «معنای "سبط"، جماعت و قبیله است و شاید معنای حدیث این باشد که: حسین علیه السلام در رفعت و بلندی مقام، مرتبه یک امت را دارد؛ یا اینکه اجر و ثواب کاری که از او صادر شده، به اندازه اجر یک امت است» (۲).



### او را می بوسید

پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام می فرمود:

أَدْعِي لِي ابْنِي فَيَشْمُهُمَا وَيَضُمُّهُمَا إِلَيْهِ؛ (۳)

پسرهایم را برایم بخوان (صدایشان کن تا پیش من بیایند)، پس آنها را می بوسید و به خود می چسبانید.

### او را دوست دارم

در آثار دوستی حسین علیه السلام ، همین بس که خاتم پیامبران فرمود:

- ۱- الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۴۸؛ كنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۳، ح ۳۹۵۳؛ امالی الشریف المرتضی، ج ۱، ص ۲۱۹.
- ۲- حفیده الرسول، ص ۴۰.
- ۳- ذخائر العقبی، ص ۱۴۳؛ نور الابصار، ص ۱۱۴.

ص: ۱۳

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ حُسَيْنًا فَأَحِبَّهُ، وَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ؛ (۱)

خدایا! من حسین را دوست می دارم، پس دوست بدار او را و هر کس که او را دوست می دارد.

ابن ابی شیبہ نیز از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُمَا فَأَحِبَّهُمَا وَأَبْغِضُ مَنْ يَبْغِضُهُمَا؛ (۲)

خدایا! من حسن و حسین را دوست می دارم، پس دوست بدار آنها را، و دشمن بدار هر کس که آنها را دشمن می دارد.

صبان از ابوهریره روایت می کند که گفت:

رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَمْتَصُّ لِعَابِ الْحُسَيْنِ كَمَا يَمْتَصُّ الرَّجُلُ التَّمْرَةَ؛ (۳)

دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله آب دهان حسین را می مکید همان گونه که مرد خرما را می مکد.

### گریه مکن

در حدیث است که: پیغمبر صلی الله علیه و آله از خانه عایشه بیرون آمد. پس از کنار خانه فاطمه علیها السلام عبور کرد، صدای گریه حسین علیه السلام را شنید و فرمود:

أَلَمْ تَعْلَمِي أَنَّ بُكَاءَهُ يُؤْذِنِي؛ (۴)

آیا نمی دانی گریه او مرا آزار می دهد؟!

۱- کنوز الحقایق، ج ۱، ص ۴۴.

۲- کنوز الحقایق، ج ۱، ص ۴۴.

۳- اسعاف الراغبین، ص ۱۸۲.

۴- ذخائر العقبی، ص ۱۴۳؛ نور الابصار، ص ۱۱۴.

## فصل سوم: ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله

## اشاره

ص: ۱۶

یکی از مظاهر محبت و عاطفه پدر و مادر، نسبت به فرزند، بوسیدن او است. در جاهلیت، و پیش از ظهور آفتاب درخشان هدایت اسلام، ارزش عاطفه و احساسات پاک انسانی مخصوصاً در عرب ها از میان رفته بود. رَحْم، مهر، رأفت، رحمت و رَقَّت قلب را یک نوع ضعف نفس شمرده و سنگدلی را افتخار می دانستند. وحشتناک ترین مظهر قساوت قلب و سقوط عواطف، همان زنده به گور کردن دختران بود، که پدران با دست خود دختران خود را زنده در گور می کردند.

بوسیدن فرزند، و اظهار عاطفه نسبت به او عار و ننگ شمرده می شد، به ویژه اگر فرزند، دختر بود. اگر کسی فرزند خود را می بوسید، دیگران از کار او متعجب می شدند.

گردن کشان و متکبران، بوسیدن طفل و به دوش سوار کردن او را به دور از ابهت و حشمت می دانستند. اینان با ریاکاری و تشریفات، خود را در نظر مردم بزرگ نشان می دادند.

## ظهور مهربانی

رحمة للعالمین محمد صلی الله علیه و آله از ریا و نفاق مبراً بود و مانند یک فرد عادی زندگی می کرد. بسط رحمت، مهر، احسان، محبت نسبت به همه مردم، بشردوستی، ایثار و هدایت عقل و احساسات، جزو برنامه های مهم دعوت او بودند.

همان گونه که نسبت به مردم، مظهر تمام و کمال عواطف عالی انسانی بود، عاطفه پدرانه اش نسبت به فاطمه زهرا علیهاالسلام و فرزندان او نیز در حدّ کمال بود.

ص: ۱۷

وجود حسن و حسین علیهماالسلام را امتداد وجود خود، و بقا و زندگی آنها را بقای زندگی خود می دید.

دکتر بنت الشاطی، بانوی دانشمند مصری و استاد دانشگاه عین الشمس در مورد شدت حبّ و عاطفه پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت به فرزندان دخترِ عزیزش زهرا علیهاالسلام، فصل بلیغی نگاشته و در ضمن آن می نویسد:

«پیغمبر صلی الله علیه و آله از روزی که به مصیبت مرگ خدیجه، یگانه همسر عالی قدرش مبتلا شد، تا سال سوم هجرت غیر از ابراهیم که او هم عمر کوتاهی داشت صاحب فرزندی نشد، و در مدّت هفده سال بعد از خدیجه با اینکه با زنان متعدد ازدواج نمود؛ اما هیچ یک را از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرزندی روزی نگشت.

بر همه آشکار بود که نسل پیغمبر صلی الله علیه و آله باید از فاطمه زهرا علیهاالسلام باقی بماند، پس تعجّبی ندارد اگر دل پیامبر صلی الله علیه و آله از حبّ و مهر فرزندان فاطمه علیهاالسلام پر باشد و با تمام وجود به آنها عشق بورزد. دل نبی صلی الله علیه و آله برای دو فرزند عزیز فاطمه گشوده شد، و آن ها را به تمام عاطفه پدرانه ای که دل بزرگ و وسیع او داشت، فراگرفت و به آنان انس یافت. نام حسن و حسین علیهماالسلام برای پیغمبر صلی الله علیه و آله آهنگ خوش و صدای دل نوازی بود که هیچ گاه از تکرار آن خسته نمی شد، آنها را پسران خود می خواند. و با اینکه پیغمبر

صلی الله علیه و آله خارج از خانه فاطمه علیها السلام می زیست؛ اما دلش در خانه زهرا علیها السلام سیر می کرد.

خداوند، زهرا علیها السلام را به نعمتی بسیار بزرگ برگزید. با عنایت پروردگار، ذریه پیغمبر صلی الله علیه و آله منحصر در فرزندان زهرا علیها السلام شد. خدا علی علیه السلام را به این

ص: ۱۸

کرامت مخصوص گردانید که نسل خاتم الانبیاء را در صلب او گذارد و از این شرف، عظمت جاودانی و پایداری و عزت همیشگی را به علی علیه السلام اختصاص داد.

زهرا علیه السلام از میان تمام دختران پیغمبر صلی الله علیه و آله باقی ماند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندی داشته باشد که او را پدر بخواند، و فرزندان زهرا علیها السلام باقی ماندند تا پیغمبر صلی الله علیه و آله از تکرار نام شیرین و لفظ گوارای "پسرانم" لذت ببرد». (۱)

### روی سینه پیامبر صلی الله علیه و آله

ابوهریره می گفت: این چشم هایم دید و گوش هایم شنید که پیغمبر صلی الله علیه و آله هر دو دست حسین را گرفته بود و پاهای حسین بر روی پاهای پیامبر صلی الله علیه و آله بود، رسول خدا می فرمود:

تَرَقَّ عَيْنَ بَقَّه؛ (۲)

برو بالا؛ کوچولوی من.

حسین بالا رفت تا پاهایش را بر سینه پیغمبر گذارد، پس پیغمبر فرمود: «دهان باز کن!»  
پس بوسیدش و سپس گفت:

اَللّٰهُمَّ اَحِبَّهُ فَاَنْتَ اَحِبُّهُ؛

خدایا! او را دوست مدار؛ زیرا من او را دوست می دارم.

۱- بنات النبی، ص ۲۴۴۲۵۳، ترجمه به اختصار و نقل به معنا.  
۲- استیعاب، ج ۱، ص ۱۸۲ و ۳۸۳. "حزقه" (به فتح حاء و ضم زاء، یا به ضم هر دو) چنانچه در قاموس گفته، به کسی گویند که به واسطه ضعف یا خردی و کوچکی، قدم هایش کوتاه و به هم نزدیک باشد. و "ترق" به معنای "اصعد" است؛ یعنی بالا برو. و "عین بقه" کنایه از کوچکی جسم و خردی جثه است. این جمله را عرب هنگام اظهار ملاحظت و مزاح با طفل و به نشاط آوردن او می گوید. (به نقل از علائلی)

ص: ۱۹

علائلی می نویسد: "عین بقه" کلمه ای است که در روح طفل، طراوت، سبکی و ملاحظت می آورد.

### بوسه شیرین پیامبر صلی الله علیه و آله

پیغمبر صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را با آن لب های مبارکش، با بوسه ای شیرین و لذیذ می بوسید؛ چون جانش گنجینه معانی و حقایق بزرگ بود.

و آن گاه که می فرمود:

اللَّهُمَّ أَحِبَّهُ فَإِنِّي أَحِبُّهُ؛

خدایا! او را دوست بدار؛ زیرا من او را دوست می دارم.

در حالی که به حسین علیه السلام اشاره می کرد، به مردم نقل می فرمود:

أنا هنا؛ من اینجا هستم؛ (یعنی: مرا پیش حسین علیه السلام بجویند).

علائلی ادامه می دهد: «فرق حبّ و عاطفه این است که: عاطفه کمتر از حبّ بوده و شرایط محبّت در آن ملاحظه نمی شود؛ اما حبّ زمانی هویدا می گردد که محبوب برگزیده باشد، و پیغمبر صلی الله علیه و آله حسین را به حقیقت دوستی و حبّ، دوست می داشت؛ زیرا حسین برگزیده او بود، و خدا حسین را دوست می داشت؛ زیرا که او شفق آفتاب نبوت بود»<sup>(۱)</sup>.

### بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله

جمعی از اهل سنت مانند ابن حجر عسقلانی از ابوهریره، عبد الله و بغوی از شداد بن الهاد، و ابی نعیم در حلیه از ابن مسعود، و ابی حاتم از

۱- سموّ المعنی سموّ الذّات، ص ۷۶ و ۷۷.

ص: ۲۰

عبدالله، و جابر و ابن ابی الفراء از انس، نوازش و اظهار محبّت پیغمبر صلی الله علیه و آله به حسن و حسین علیهما السلام را روایت کرده اند.<sup>(۱)</sup>

از این احادیث استفاده می شود که آن حضرت همیشه حسنین علیهما السلام را به دوش می گرفت؛ آنان در حال نماز و در حالات دیگر بر کتف آن حضرت می نشستند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله کمال لطف و مهربانی را نسبت به آنها ابراز می داشت. و از بعضی احادیث همچون "حدیث انس"، شدت محبت پیغمبر صلی الله علیه و آله به آنها، و توبیخ سخت نسبت به کسی که قدر و منزلت آنها را نشناسد، استفاده می شود.

ابوسعید در شرف النبوه روایت نموده: پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که حسن و حسین علیهما السلام به سوی او آمدند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را دید، به خاطر ایشان برخاست و آمدنشان را دیر شمرد (و فرمود: چرا دیر آمدید؟) پس از آنها استقبال کرد و آنها را بر دوش خود گذارد و فرمود:

نِعْمَ الْمَطِيُّ مَطِيَّتُكُمَا، وَنِعْمَ الرَّكِبَانِ أَنْتُمَا؛ (۲)

خوب مرکبی است مرکب شما! و خوب سوارهایی هستید شما.

۱- الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۷۱۹؛ الجامع الصغير، ج ۲، ص ۱۱۸؛ ذخائر العقبی، ص ۱۲۳ و ۱۳۲.

۲- ذخائر العقبی، ص ۱۳۰.

ص: ۲۱

### فصل چهارم: شرط دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: ۲۲



احادیث در وجوب دوستی و مودت حسین علیه السلام متواتر است. از جمله این احادیث، حدیث نبوی زیر است:

مَنْ أَحَبَّنِي فَلِيحِبَّ هَذَايُنِ؛ (۱)

هر کس مرا دوست دارد، باید این دو را (نیز) دوست بدارد.

دولابی و احمد بن حنبل از یعلی بن مره روایت کرده اند که: حسن و حسین علیهما السلام به سوی پیغمبر صلی الله علیه و آله آمدند در حالی که در تشریف به محضر جد بزرگوار خود از یکدیگر پیشی می جستند؛ یکی از ایشان، پیش از دیگری رسید، پیغمبر صلی الله علیه و آله دست به گردن او انداخت و او را به سینه خویش چسبانید و بوسید و سپس آن یکی را بوسید، آن گاه فرمود:

إِنِّي أُحِبُّهُمَا فَأُحِبُّهُمَا؛ (۲)

من ایشان را دوست می دارم، پس شما نیز ایشان را دوست بدارید.

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۵.

۲- ذخائر العقبی، ص ۱۲۳.

ص: ۲۳

### فصل پنجم: معیار بهشت و دوزخ

ص: ۲۴

در روایت نبوی، معیار بهشت و دوزخ در گرو دوستی و دشمنی با دو دردانه رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر شده است.

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ مَنْ أَحَبَّهُمَا فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فِي النَّارِ؛ (۱)

هر کس حسن و حسین را دوست بدارد در بهشت است، و هر کس آنها را دشمن بدارد در آتش است.

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَ بِيَدِ حَسَنٍ وَحُسَيْنٍ فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّنِي وَأَحَبَّ هَدَيْنِ وَأَبَاهُمَا وَأُمَّهُمَا كَانَ مَعِي فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت، پس فرمود: هر کس مرا دوست بدارد و دوستدار این دو و پدر و مادرشان باشد، در روز قیامت با من در درجه من خواهد بود.

طبرانی از سلمان روایت دارد که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَحَبَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ أَحَبَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَأَدْخَلَهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا أَوْ بَغَى عَلَيْهِمَا أَبْغَضَهُ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَهُ اللَّهُ، وَأَدْخَلَهُ جَهَنَّمَ وَلَهُ عَذَابٌ مُّقِيمٌ؛ (۳)

---

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۶؛ الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۷۱۹؛ كنوز الحقائق، ج ۲، ص ۹۴؛ الجامع الصغير، ج ۲، ص ۱۶۰؛ صواعق، ص ۹۰؛ تاريخ الخلفاء، ص ۱۹۴؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۸۸؛ ذخائر العقبی، ص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ نظم در السمطين، ص ۲۱۰؛ مطالب السؤل، ص ۷۱.

- ۲- سنن ترمذی، ج ۱۳، ص ۱۷۶؛ صواعق، ص ۱۸۷؛ السیره النبویه، ج ۳، ص ۳۶۸؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۳۷۸۲.
- ۳- کنز العمال، ج ۶، ص ۲۲۲، ح ۳۹۱۶.

ص: ۲۵

هر کس حسن و حسین را دوست بدارد من او را دوست می دارم، و هر کس را من دوست دارم خدا او را دوست دارد، و هر کس خدا او را دوست دارد او را داخل بهشت گرداند؛ و هر کس آنها را دشمن بدارد یا بر آنها ستم کند من او را دشمن دارم، و هر کس را من دشمن دارم خدا دشمن دارد و او را داخل جهنم سازد و برای او عذاب جاودان است.

ص: ۲۶

ص: ۲۷

### فصل ششم: در جوار آفتاب

ص: ۲۸

از علی علیه السلام روایت می کنند که پیغمبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمود:

يَا فَاطِمَةُ إِنِّي وَإِيَّاكَ وَهَذَا الرَّاقِدَ (يَعْنِي عَلِيًّا) وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَفِي مَكَانٍ  
واحد؛ (۱)

ای فاطمه! من و تو و این کسی که خوابیده (یعنی علی) و حسن و حسین، روز قیامت در یک مکان می باشیم.

طبرانی از ابوموسی روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةٌ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي قُبَّةٍ تَحْتَ الْعَرْشِ؛ (۲)

من، علی، فاطمه، حسن و حسین روز قیامت در یک قبه در زیر عرش هستیم.

عمر بن خطاب روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةٌ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فِي قُبَّةٍ بَيْضَاءَ وَسَقْفُهَا عَرْشُ الرَّحْمَنِ؛ (۳)

من، علی، فاطمه، حسن و حسین در حظیره القدس، در قبه سفیدی که سقف آن عرش الرحمن است، می باشیم.

۱- کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۳۷۹۳.

۲- کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۷، ح ۳۷۹۸؛ فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۶.

۳- فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۶.

ص: ۲۹

## فصل هفتم: کیست او را یاری کند؟

اشاره

ص: ۳۰

و جوب یاری حسین علیه السلام از احادیث بسیاری درک می شود. اگر سران مسلمانان، که حکومت یزید را شرعی نمی دانستند؛ مانند ابن زبیر و ابن عمر و دیگران، حسین علیه السلام را یاری کرده بودند تاریخ اسلام غیر از این بود که اکنون هست و اعتراض بزرگی که بر آن مردم وارد است، همین می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ ابْنِي هَذَا يُقْتَلُ بِأَرْضٍ مِنَ الْعِرَاقِ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ، فَمَنْ شَهِدَ ذَلِكَ مِنْهُمْ فَلْيَنْصُرْهُ؛ (۱)

به درستی که این پسر در زمینی از عراق که به آن کربلا گفته می شود، کشته می گردد. پس هر کس او را درک کند باید یاری اش رساند.

### او را واگذارند

خوارزمی در ضمن خبری طولانی نقل کرده که: حسین علیه السلام به ابن عباس فرمود: «آیا می دانی که من پسر دختر رسول خدا هستم»؟

عرض کرد: «آری! غیر از تو کسی را نمی شناسم که پسر پیغمبر باشد، و یاری و نصرت تو بر این امت واجب است، آن چنان که روزه و زکات واجب است که یکی از این دو بدون دیگری پذیرفته نشود».

حسین علیه السلام فرمود: «پس رأی تو چیست در حق مردمی که پسر دختر پیغمبر را از وطن و خانه و جایگاه و زادگاهش، و حرم رسول و جوار قبر پیغمبر و مسجد و محل هجرت آن حضرت خارج نمودند؛ او را بیمناک

ص: ۳۱

و سرگردان گذاردند که قرارگاه، منزل و مأوایی نداشته باشد و قصدشان از آن سخت گیری ها، کشتن او و ریختن خونش باشد در حالی که او شرکی به خدا نوزیده و غیر خدا را ولیّ امر خود قرار نداده و از روش پیغمبر و جانشینان او تخلف ننموده است؟!»

ابن عباس گفت: «نمی گویم در حق آنها مگر آنکه آن کسان، به خدا و پیغمبر کافر شدند و اگر نماز بخوانند، از روی کسالت و ریاکاری است. و بر مثال این مردم عذاب بزرگ تر خدا نازل گردد؛ و اما تو! ای اباعبدالله! پس تو سر سلسله افتخار و مباهاتی، تو پسر پیغمبر هستی، تو پسر وصیّ پیغمبر و فرزند زهرا می باشی، زهرایی که همانند مریم بود؛ پس ای پسر رسول خدا! گمان مبر که خدا از آنچه ستمکاران می کنند غافل است، و من گواهی می دهم که هر کس از مجاورت تو و مجاورت فرزندان تو کناره گیری کند، در آخرت، نصیب و بهره ای نخواهد داشت».

حسین علیه السلام گفت: «خدایا گواه باش!»

ابن عباس گفت: «فدای تو شوم! گویا به من خبر از مرگ خودت می دهی و از من می خواهی تو را یاری کنم! سوگند به خدایی که غیر از او خدایی نیست! اگر در پیش روی تو شمشیر بزنم تا شمشیرم بشکند و دست هایم قطع شود، اندکی از حقّ تو را ادا نکرده باشم. هم اکنون من حاضر به خدمت تو هستم هرگونه که صلاح می دانی، فرمان بده».

این خبر طولانی است و در این مجال نمی گنجد؛ اما در آغاز این خبر عبدالله بن عمر گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: ۳۲

حُسَيْنٌ مَقْتُولٌ فَلَنْ خَذَلُوهُ وَلَمْ يَنْصُرُوهُ لِيَخَذَلَنَّهُمُ اللَّهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ (۱)

حسین کشته می شود، پس اگر او را وابگذارند و یاری اش نکنند، خدا آنها را تا روز قیامت یاری نخواهد کرد.

۱- مقتل الحسین، ف ۱۰، ص ۱۹۱ و ۱۹۲.

ص: ۳۳

### فصل هشتم: صاحبان بهشت

ص: ۳۴

حاکم و ابن سعد از علی علیه السلام روایت کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَأَنْتَ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ؛

اول کسی که داخل بهشت می شود من، تو، فاطمه، حسن و حسین هستم.

علی عرض کرد:

فَمُحِبُّونَا؛ پس دوستان ما (چه)؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ وَرَائِكُمْ؛ (۱) به دنبال شما وارد می شوند.

۱- صواعق، ص ۱۵۹؛ ذخائر العقبی، ص ۱۲۳؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۸، ح ۳۸۲۶.

ص: ۳۵

### فصل نهم: از نسل حسین علیه السلام

#### اشاره

ص: ۳۶

حذیفه از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ  
كَاسِمِي؛

اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن روز را طولانی سازد تا مردی از فرزندانم  
را برانگیزد که هم نام من است.

آن گاه سلمان عرض کرد:

مِنْ أَيْ وُلْدِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟؛

از کدام فرزندان توست یا رسول الله!

فرمود:

مِنْ وُلْدِي هَذَا وَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى الْحُسَيْنِ؛ (۱)

از این فرزندم! و دستش را بر حسین زد.



## نهمین فرزند

سلمان می گوید: بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که حسین علیه السلام بر زانوی مرحمت او بود. پیغمبر دهان او را می بوسید و می فرمود: «تو آقا، پسر آقا و پدر آقایی! تو امام، پسر امام و پدر امامانی! تو حجّت، پسر حجّت و پدر حجّت های نه گانه ای که از صلب تو هستند و نهمین ایشان قائم آنها است».<sup>(۲)</sup>

حموینی در حدیثی مفصل و طولانی از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «حسن و حسین علیهما السلام دو امامت من بعد از پدرشان و دو آقای جوانان اهل

- ۱- ذخائر العقبی، ص ۱۳۶ و ۱۳۷. بیش از ۱۸۰ حدیث بر این مضمون دلالت دارد؛ کتاب منتخب الأثر تألیف نگارنده، باب ۸، ف ۲.
- ۲- مقتل خوارزمی، ص ۱۴۶، ف ۷؛ ینایع الموده، ص ۴۴۵، موده القربی، در الموده العاشره.

ص: ۳۷

بهشت هستند. مادرشان سیده زنان جهانیان، و پدرشان سید الوصیین است. از فرزندان حسین، نه نفرند که نهمین آنها قائم از فرزندان من است؛ طاعت ایشان طاعت من و معصیت و مخالفت با ایشان، معصیت و مخالفت با من است. از کسانی که فضیلت ایشان را انکار و احترامشان را بعد از من ضایع می نمایند، به سوی خدا شکایت می کنم. خداوند در ولایت کارها و نصرت عترت من و امامان امت من کفایت می کند؛

او انتقام گیرنده است از کسانی که حق آنها را انکار نمایند. وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. (۱)

۱- فرائد السمطين، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳؛ احادیث در این موضوع متواتر است رجوع شود به منتخب الأثر، تألیف نگارنده، باب ۱۰، ف ۲. [همچنین آیه فوق الذکر در سوره شعراء، آیه ۲۲۷ است].

ص: ۳۸

ص: ۳۹

### فصل دهم: میوه درخت نبوت

ص: ۴۰

جابر می گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله در عرفات بود و علی علیه السلام رو به روی آن حضرت قرار داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله به من و علی علیه السلام اشاره فرمود و ما خدمت او رفتیم، پس فرمود: «یا علی! نزدیک من بیا». علی علیه السلام نزدیک رفت؛ فرمود: «دست را در دست من بگذار!» سپس فرمود: «یا علی! من و تو از یک درختیم، من اصل و ریشه آن، و تو فرع آن، و حسن و حسین شاخه های آن؛ هر کس به یکی از شاخه های آن متعلق (آویزان) گردد، خدا او را داخل بهشت نماید. یا علی! اگر امت من روزه بگیرند به قدری که مثل کمان ها خمیده شوند و نماز بخوانند به قدری که مثل میخ ها خشک و بی حرکت گردند، اما تو را دشمن بدانند؛ خداوند آنها را به رو در آتش اندازد». (۱)

گنجی شافعی از خطیب بغدادی در تاریخ خود، از علی علیه السلام روایت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «درختی است که من ریشه و اصل آن، و علی فرع آن، و حسن و حسین ثمره و میوه آن، و شیعه برگ آن هستند. پس آیا بیرون می شود از پاکیزه و طیب غیر از طیب و پاکیزه؟» (۲)

یعنی: فرع (میوه و برگ درخت) پاک، پاک و طاهر می باشد. و نظیر این حدیث را از ابوامامه باهلی روایت کرده است.

۱- فرائد السمطین، ص ۳۹؛ مقتل خوارزمی، ص ۱۰۸، ف ۶؛ ینابیع الموده، ص ۹۱.

۲- کفایه الطالب، ص ۹۸ و ۱۷۸.

ص: ۴۱

### فصل یازدهم: ودیعه پیغمبر صلی الله علیه و آله

ص: ۴۲

ابن اثیر و سبط ابن الجوزی و طبری نقل کرده اند که: وقتی سرهای شهدا را نزد ابن زیاد آوردند، با شمشیر یا چوب به لب های مبارک امام حسین علیه السلام می زد. زید بن ارقم وقتی دید ابن زیاد دست از این بی ادبی بر نمی دارد، گفت: «چوبت را برگیر! قسم به آن کسی که غیر از او خدایی نیست! من در زمانی طولانی می دیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله میان این دو لب را می بوسید». زید گریست و ابن زیاد با او درشتی کرد و او را به کشتن تهدید نمود و گفت: «خدا چشمانت را بگریاند! اگر پیر خرفتی نبودی، گردنت را می زدم».

زید از مجلس ابن زیاد برخاست، و می گفت: «مردم! شما از این پسر بند گانید (یعنی باید غلام و بنده بنی امیه و کار گزاران آنها باشید) پسر فاطمه علیها السلام را کشتید و پسر مرجانه را زمامداری و حکومت دادید. به خدا نیکان شما را می کشند و بدان شما را بنده می سازند. پس دور باد از عزّت! آن کسی که راضی به ذلّت و عار گردد».

سپس باز گشت و به ابن زیاد گفت: «حدیثی برای تو بگویم که خشم تو از آن بیشتر شود. دیدم پیغمبر صلی الله علیه و آله حسن علیه السلام را بر پای راستش نشانده بود، و حسین علیه السلام را بر پای چپ. پس دست خود را بر سر آنها گذارد و گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ إِيَّاهُمَا وَصَالِحَ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۱)

خدایا! من این دو و صالح المؤمنین (علی علیه السلام) را نزد تو ودیعه و سپرده گذاردم.

«پس ودیعه رسول خدا صلی الله علیه و آله در نزد تو چگونه است، ای پسر زیاد»؟

ابن زیاد به خشم آمد و تصمیم به قتل زید گرفت.

۱- بحار الانوار، ج ۱۱۸، ص ۴۵.

ص: ۴۳

**فصل دوازدهم: خواسته پیامبر صلی الله علیه و آله از خدا**

**اشاره**

ص: ۴۴

پیغمبر صلی الله علیه و آله این گونه در حقّ علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام دعا کرد:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ جَعَلْتَ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَمَغْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ وَمَغْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ (یعنی: عَلِيًّا، وَفَاطِمَةَ، وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا)؛ (۱)

خدایا! تو قرار دادی صلوات، رحمت، مغفرت و خشنودی ات را بر ابراهیم و آل ابراهیم. خدایا! ایشان (یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) از من اند، و من از ایشان هستم. پس صلوات، رحمت، آمرزش و خشنودی ات را بر من و بر آنها قرار بده.

### حسین یعنی چه؟

پیغمبر صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی می فرماید: چون خدا آدم را آفرید، آدم علیه السلام در سمت راست عرش، پنج شب از نور دید که در حال سجده و رکوع هستند. پس پرسید: «این پنج شب که در هیبت و صورت من اند، چه کسانی هستند؟» خطاب شد: «اینان پنج تن از فرزندان تو هستند که پنج نام برای آنها از نام های خود مشتق کرده ام و اگر برای ایشان نبود، بهشت و جهنم، عرش و کرسی، آسمان و زمین، فرشتگان و آدمیان و جنیان را نمی آفریدم؛ پس من محمودم، و این محمد است؛ من عالی هستم، و این علی است؛ من فاطرم، و این فاطمه است؛ من احسانم، و این حسن است؛ من محسنم و این حسین است. به عزّت سوگند یاد نموده ام که هر کس ذره ای از کینه ایشان را در دل داشته باشد، او را

۱- کنز العمال، ج ۶، ص ۲۱۷، ح ۳۸۰۷.

ص: ۴۵

داخل آتش می کنم. ایشان برگزیدگان من هستند، به ایشان نجات می دهم و به ایشان هلاک می نمایم. هر وقت حاجتی داری به این پنج تن متوسل شو». پس پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مایم کشتی نجات! هر کس به آن متمایل شود، نجات یابد و هر کس از آن روی گردان شود، هلاک گردد». (۱)

در روایتی دیگر، سلمان فارسی روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند برای ما نام هایی از نام های خویش مشتق ساخت؛ پس خداوند عزوجل محمود است و من محمدم، و خداوند اعلی است و برادرم علی است، و خداوند فاطر است و دخترم فاطمه است، و خداوند محسن است و دو پسر من حسن و حسین می باشند». (۲)

۱- فرائد السمطین، ص ۲۵ و ۲۶ (ترجمه به اختصار).

۲- فرائد السمطین، ص ۳۰؛ این گونه احادیث ممکن است اشاره به مقام کمال پنج تن و خمسه طیبه باشد و اینکه آنها مؤدب به آداب الهی، و مربی به تربیت ربوبی هستند و به اخلاق الهی تخلق دارند و چنان که نام، انسان را به مسمی می رساند، آنها نیز که اسم های حق و مشتق از نام های او هستند ما را به خدا هدایت می کنند و همچنین دلالت بر ارتباط آنها با عوالم غیب دارد، و در روایات است که «نَحْنُ وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»، و اگر چه همه موجودات به این معنا اسم های حق هستند اما این پنج نور مقدس، مقام شامخ دیگری دارند و دلالت آنها بر مسمی، اظهر و ابین است و اما این که چرا این پنج نور هر کدام مخصوص به اسمی شده اند؛ شرحش از حوصله این کتاب خارج است.

ص: ۴۶

ص: ۴۷

## فصل سیزدهم: وارث آفتاب

## اشاره

ص: ۴۸

حسن و حسین علیهما السلام وارث کمالات علمی، روحی، اخلاقی و جسمی پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند. مردم در سیما و رفتار و روش آنها، پیغمبر را می دیدند و عظمت و روحانیت او را تماشا می نمودند. وجود پیغمبر صلی الله علیه و آله نسبت به حسنین علیهما السلام کانون مهر، شفقت، نوازش، لطف و رحمت پدرانیه بود. آنها را دوست می داشت و می بوید و می بوسید؛ زبانشان را می مکید و بر دوش مبارک خویش سوار می کرد و خود، از آنها پرستاری می فرمود؛ آنها را روی سینه خود می خوابانید و از شنیدن نامشان لذت می برد. در کوچه، در خانه، در مسجد، در حضور صحابه و مردم، در هنگام سخنرانی و خطبه و در حال نماز، حسنین علیهما السلام مشمول مراحم مخصوص پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند.

اخباری در کتب معتبر اهل سنت است که حکایت از این عواطف پاک دارد. این مهربانی ها در عین حال که نمونه ای از تواضع و فروتنی فوق العاده و سادگی زندگی پیامبر با عظمت اسلام بود، تمرکز عواطف شدید پدرانیه او را در حسنین و فاطمه زهرا علیهم السلام نشان می داد. این عواطف از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صادر می شد که در اوج کمالات و در حد اعتدال و استقامت بود. محبت و رضا هیچ گاه او را بر آن نمی داشت که از سخن راست و حقیقت، کلمه ای بیشتر بگوید و همین راست گویی،

دلیل کمال لیاقت، صلاحیت و شایستگی حسنین بود؛ زیرا تعبیراتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در حق آنها می فرمود و اوصافی که در حق آنها می گفت، تنها از عواطف و احساسات پدران بر نمی آمد و معلوم بود که ایشان در سیمای آنها یک سر الهی مشاهده می کند.

### میزان اعتدال

بر حسب حدیث ثقلین، حدیث دوازده خلیفه، حدیث سفینه و احادیث

ص: ۴۹

بسیار دیگر (۱)، حسن و حسین علیهما السلام وارث علوم پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و هر یک در عصر خود، رهبر حقیقی امت اسلام و حافظ آفتاب جهان تاب شرع بودند.

یکی از صفات برجسته امام، وصی و جانشین پیغمبر همین است که میزان تعادل و اعتدال امور باشد. امام در حقیقت، مرکزی است که واماندگان راه حقیقت و کندروها به آن سو سوق داده می شوند تا عقب نمانند و فاصله آنها با امام، که پیشرو قافله خداپرستان است، زیاد نشود و تندروهای افراطی به آن مرکز برگردانده می شوند تا شتاب خارج از حد، سبب گمراهی آنها نگردد. و این است حقیقت معنای کلام پیغمبر صلی الله علیه و آله در ذیل حدیث ثقلین، که می فرماید:

فَلَا تُقَدِّمُوهُمْ فَتَهْلِكُوا وَلَا تَقْصِرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا وَلَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ؛ (۲)

بر قرآن و عترت متقدم نشوید که هلاک می گردید، و از آنها عقب نیفتید که هلاک می شوید، و به عترت چیزی نیاموزید زیرا آنها از شما داناترند.



پس حسین علیه السلام بی تردید وارث علم و کمال پیغمبر صلی الله علیه و آله است و همه مردم به علم و دانش او محتاج هستند.

### ارثیه پیامبر

برحسب روایات متعددی که در کتاب های معتبر نقل شده، فاطمه زهرا علیها السلام در هنگامه موت پدر، حسن و حسین علیهما السلام را نزد آن حضرت آورد

۱- ر.ک به امان الأمه، اثر نگارنده که در اثبات حجیت فقه شیعه، و وجوب رجوع به احادیث امامیه در احکام نوشته ایم و آن احادیث را ذکر کرده و صحت اسناد و دلالت آنها را واضح و آشکار ساخته ایم.  
۲- صواعق، ص ۱۴۸.

ص: ۵۰

و عرض کرد: «یا رسول الله! این دو پسران تو هستند، آنها را به بخشش و عطایی مخصوص فرما؛ یا به آنها چیزی به ارث عطا کن!»

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به حسن علیه السلام عظمت و بردباری می بخشم، و به حسین علیه السلام جود و مهربانی».

و در روایتی دیگر فرمود: «به این بزرگ (یعنی حسن علیه السلام) مهابت و حلم بخشیدم و به آن کوچک (یعنی حسین علیه السلام) محبت و رضا».

در حدیثی دیگر فرمود: «اما حسن علیه السلام، پس هیبت و آقایی من برای اوست، و اما حسین علیه السلام، پس جود و جرأت من برای او می باشد».<sup>(۱)</sup>

این احادیث، گوشه ای از کمالات و خلیاتی که حسن و حسین علیهما السلام از جدّ بزرگوار خود به ارث برده اند، را نشان می دهند.

سرّ این تعبیرات به روش های خاصّ حسن و حسین علیهما السلام، چگونگی رهبری و برنامه های آنها و تصدیق روش هر دو است، تا مردم بدانند که سرچشمه و منبع این دو روش، بر اساس مأموریت های دینی و تکالیف خاصی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله با وحی الهی، آن دو را به این مأموریت و تکلیف مکلف ساخته است. هر دو روش از روش پیغمبر صلی الله علیه و آله و سیره او جدا نمی باشد؛ از این روست که حسن و حسین جامع تمام کمالات اخلاقی، وارث جدّ و پدر و حافظ دین و قرآن مقدّس بوده اند.

---

۱- نظم درر السمطین، ص ۲۱۲؛ الاصابه، ج ۴، ص ۳۱۶ ۴۸۱؛ ذخائر العقبی، ص ۱۲۹؛ صواعق، ص ۱۸۹؛ کفایه الطالب، ص ۲۷۷.

ص: ۵۱

### فصل چهاردهم: اشک پیامبر بر حسین علیه السلام

اشاره

ص: ۵۲

یکی از معجزات بزرگ، روشن و غیر قابل انکار پیامبر صلی الله علیه و آله، پیشگویی ها و خبرهایی است که آن حضرت از حوادث آینده داده است. معتبرترین اسناد و

مدارک تاریخی، این پیشگویی ها را حفظ کرده اند و هر کس با تاریخ اسلام آشنا شود، در حقیقت این اخبار شبهه و تردید نمی نماید.

یکی از خبرهای غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله، خبرهایی است که از شهادت حضرت سید الشهداء علیه السلام داده است. علاوه بر آن همه احادیثی که از طرق متعدد شیعه روایت شده، در تواریخ و کتب حدیث و تراجم اهل سنت نیز روایات بسیاری آمده است. این گزارش های تاریخی و احادیث وارد در این کتب، یقینی بودن اخبار غیبی پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید و اثبات می نمایند. مهم تر آنکه این احادیث از نظر معنا و مضمون در حدّ تواتر، بلکه مافوق تواترند.

اکنون برخی از این احادیث را ذکر می کنیم:

### خاک سرخ

احمد بن حنبل از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود:

لَقَدْ دَخَلَ عَلَى الْبَيْتِ مَلِكٌ لَمْ يَدْخُلْ عَلَى قَبْلِهَا فَقَالَ لِي: إِنَّ ابْنَكَ هَذَا حُسَيْنًا مَقْتُولٌ، وَإِنْ شِئْتَ أَرَيْتَكَ مِنْ تُرْبِهِ الْأَرْضِ الَّتِي يُقْتَلُ بِهَا. قَالَ: فَأَخْرَجَ تُرْبَهُ حَمْرَاءً؛ (۱)

فرشته ای در خانه ای بر من وارد شد که پیش از این بر من وارد نشده بود، گفت: «این پسر ت حسین مقتول است و اگر بخواهی، تربت آن

زمینی که در آن کشته می شود، را به تو نشان می دهم. پس خاک سرخی را بیرون آورد».

### صبور باش!

آن گاه که علی علیه السلام به صفین می رفت، از کربلا گذر کرد، به محاذی نینوا که دهی در کنار فرات است رسید، ایستاد و از نام آن زمین پرسید، گفته شد: "کربلا است". پس گریست آن قدر که زمین از اشک چشمانش تر شد. (و به روایت عبد الله بن یحیی از پدرش که در التزام رکاب علی علیه السلام بود) فرمود:

صَبْرًا يَا أَبَعْبَدِ اللَّهِ! صَبْرًا يَا أَبَعْبَدِ اللَّهِ! صَبْرًا يَا أَبَعْبَدِ اللَّهِ! بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ؛

... صبور باش ای اباعبدالله! صبور باش ای اباعبدالله! صبور باش ای اباعبدالله! بر کنار فرات.

پس فرمود: وارد شدم بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در حالی که آن حضرت گریه می کرد. از سبب گریه پرسیدم، فرمود:

كَانَ عِنْدِي جِبْرَائِيلُ أَنْفَا وَأَخْبَرَنِي أَنَّ وُلْدِي الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِشَاطِئِ الْفُرَاتِ بِمَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ كَرْبَلَاءُ، ثُمَّ قَبَضَ جِبْرَائِيلُ قَبْضَهُ مِنْ تُرَابِ شَمْنِي إِيَّاهُ، فَلَمْ أَمْلِكْ عَيْنِي أَنْ فَاضَتْ؛ (۱)

هم اکنون جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد که فرزندان حسین در کنار فرات کشته می شود در موضعی که به آن کربلا گفته می شود. پس

ص: ۵۴

جبرئیل یک مشت از خاک قبض کرد و به مشام من رسانید، پس نتوانستم دید گانم را از ریختن اشک نگاه دارم.

### اینجا کربلاست

چون حسین علیه السلام به زمین کربلا رسید، پرسید: «این زمین چه نام دارد؟» گفتند: «کربلا، نینوی». حسین علیه السلام گریست و فرمود: «کرب است و بلاء؛ همانا ام سلمه به من خبر داد که: جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و تو با من بودی، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پسر مرا رها کن، پس تو را گرفت و در دامن خود گذارد. جبرئیل گفت: او را دوست می داری؟ فرمود: آری! گفت: امت تو او را خواهند کشت و اگر بخواهی زمینی را که در آن کشته می شود به تو نشان می دهم. پس جبرئیل زمین کربلا را به پیغمبر صلی الله علیه و آله نشان داد».

چون به حسین علیه السلام گفته شد: اینجا زمین کربلا است، آن را بویید و فرمود: «این است زمینی که جبرئیل به پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر داد که من در آن کشته می شوم».<sup>(۱)</sup>

### تربت خونین

یعقوبی می نویسد: «اول کسی که بانگ ناله اش در مصیبت حسین علیه السلام در مدینه بلند شد، ام سلمه همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله شیشه ای را که در آن تربتی قرار داشت، به او داد و فرمود: جبرئیل به من اعلام کرده که امت من حسین علیه السلام را می کشند و این تربت را به من داد. آن گاه به ام سلمه

فرمود: وقتی این خاک به خون تازه تبدیل گردید، بدان که حسین کشته شده است. آن خاک نزد امّ سلمه بود (تا وقتی که حسین علیه السلام به عراق حرکت کرد)، امّ سلمه

۱- تذکره الخواص، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.

ص: ۵۵

همواره در آن نظر می کرد، وقتی دید آن خاک تبدیل به خون شده، فریاد زد:  
«واحْسِنَاهُ! وَاِبْنَ رَسُولِ اللَّهِ!».

زن ها از هر سو بانگ شان به ناله بلند شد تا آن که مدینه پر از شیون و ضجه گردید، به طوری که مانند آن هرگز شنیده نشده بود». (۱)

۱- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۸ و ۲۱۹؛ بعد از نوشتن این فصل، مقاله ای از دانشمند فیزیکدان «رابرت موریس پیچ» تحت عنوان «یک آزمون نتیجه بخش» در کتاب «اثبات خدا»، ص ۲۵ به نظر رسید که وجود خدا را بر اساس پیشگویی های پیامبران اثبات نموده است. اگر این مرد دانشمند که دارای ۳۷ اختراع ثبت شده است و موفق به دریافت جایزه های با ارزش علمی گردیده، از تاریخ اسلام و پیشگویی های پیغمبر و ائمه علیهم السلام آگاهی داشت، ایمانش به خدا استوارتر می شد.